

2 روی سکه شوخی کردن



احادیث در باب شوخی، 2 گونه دیدگاه را ارائه می‌کند

2 روی سکه شوخی کردن

حتما اصطلاح «مهره مار دارد» را شنیده اید، معمولا به کسانی اطلاق می‌شود که در تعامل با دیگران موفق هستند و اگر چیزی را از دیگری بخواهند، معمولا جواب منفی نمی‌شنوند.

بعضی مواقع نیز به چنین افرادی «خوش شانس» می‌گویند، اما اگر به خرافاتی مثل «مهره مار» و «شانس» باور نداشته باشیم، باید بپذیریم که اگر همکار ما در تعامل با رئیس اداره، دیگر همکاران و نیز ارباب رجوع، موفق تر از ماست، این موفقیت معلول تفاوت نوع رفتار او، با نوع رفتار ماست.

اما رفتار چنین افرادی، چه تفاوتی با رفتار دیگران دارد؟ چه عنصر و ویژگی ای در رفتار آنها وجود دارد که باعث شده دیگران حسن ظن بیشتری نسبت به آنها داشته باشند؟ عوامل بسیاری در اینجا نقش دارند، ولی یکی از مهم ترین عوامل، توانایی در شوخی کردن است.

توانایی فاصله گرفتن از زندگی روزمره

عموم انسان ها، به دلیل مشغله زندگی و فشار عصبی ای که مشکلات روزمره بر آنها بار می‌کند، نیازمند این هستند که کمی از جریان عادی و عمومی زندگی فاصله بگیرند و چند لحظه ای بیاسایند و حتی به این سیر مشکلات، نگاهی از بیرون انداخته و با جدی نگرفتن آن، به آن بخندند. با این کار، انسان می‌تواند برای ادامه مواجهه جدی با مشکلات، تجدید قوا کند و با نیرویی بیشتر و به اصطلاح «سرحال» تر به حل مسائل خود بپردازد.

بسیاری از انسان ها، این کار را درباره خودشان دریغ می‌کنند و توانایی ندارند با نگاهی طنز آلود به مسائل خود نگاه کنند، اما برخی از انسان هستند که نه تنها این کار را در باب مسائل خود انجام می‌دهند، بلکه حتی به دیگران کمک می‌کنند که برای چند لحظه هم که شده، مشکلاتشان را جدی نگیرند.

شوخی، معنویت و عرفان

از این منظر، طنز و شوخی کردن، با نگاه های معنوی و عرفانی به زندگی، شباهت دارد. چراکه در نگاه عرفانی نیز مسائل روزمره زندگی، مسائل جدی تلقی نمی‌شوند و انسان آگاه و خردمند می‌باید در اندیشه مسائل مهم تری باشد. مسائل روزمره زندگی، هرچند شایسته رسیدگی هستند، ولی اگر انسان از حل آنها ناامید شد، نباید چندان غمگین شود، بلکه می‌باید با اندیشیدن به مسائل مهم تر، مسائل روزمره را بیش از اندازه جدی نگیرد.

در اینجا مقصود این نیست که فردی که شوخی می‌کند، لزوما هیچ مساله ای از مسائل معیشتی را جدی نمی‌گیرد، بلکه مقصود این است که شوخی کردن، به این دلالت دارد که فرد، دست کم، آنقدر آگاهی دارد که مسائل معیشتی، به آن اندازه مهم نیستند که سلامت روان و روح انسان را کاملا به خطر بیندازند. انسان ها اگر نمی‌توانند در حل مسائل معیشتی، به یکدیگر کمک کنند، دست کم می‌توانند با شوخی های محتاطانه، روح و روان دوستان خود را، هرچند برای مدتی کوتاه، خرسند کنند. مثلا در حدیثی از امام علی(ع) نقل شده است که: «هرگاه رسول اکرم(ص) یکی از اصحاب خود را غمگین می‌دیدند، با شوخی او را خوشحال می‌کردند و می‌فرمودند: خداوند، کسی را که با برادران (دینی) اش با ترش رویی و چهره عبوس روبه رو شود، دشمن می‌دارد.» و نیز در حدیثی از امام صادق(ع) نقل شده است که «رسول اکرم(ص) شوخی می‌کردند ولی جز حق چیزی نمی‌گفتند» و نیز در حدیثی از خود پیامبر(ص) نقل شده است که: «مومن شوخ است و منافق اخمو و عصبانی.»

بنابراین روح حاکم بر طنز و شوخی، به خودی خود، سازگار با طبع انسان است. انسان نیاز هایی دارد که شوخی و طنز آنها را پاسخ می‌گویند. از این رو در احادیث نیز شوخی کردن به شکل مطلق مورد نفی و انکار قرار نگرفته است، بلکه شوخی امری پسندیده است، اما حدودی دارد که خروج از آنها، تبعات منفی به بار می‌آورد. اسلام از عبوس بودن حمایت نمی‌کند. فرد عبوس و اخمو، زندگی را برای خود و اطرافیانش تلخ می‌کند.

چنین فردی، نه تنها چندان عاقل نیست، بلکه همچنین از نوعی حماقت هم رنج می‌برد، چرا که مسائل و مشکلات روزمره زندگی را بیش از آن که می‌باید، جدی گرفته است. فردی که از هر نوع شوخی کردن فاصله می‌گیرد، به مرور از حلقه افراد اطراف خود، خواهد کاست و به انزوا می‌افتد. بنابراین، شوخی ضرورت زندگی است، ضرورتی که نیازمند حفظ حد و حدود است.

شوخی از محبت ورزی تا ایجاد تنفر

اما حدود شوخی کردن چیست؟ پیشتر گفتیم که شوخی کردن برای این که انسان بتواند با قوت و تحمل بیشتری به حل مسائل روزمره خود بپردازد، لازم است، اما گاه، افراد در شوخی کردن به حدی زیاده روی می‌کنند که نه تنها از مسائل زندگی

خود فاصله می گیرند، بلکه گویی نسبت به هر گونه عقل و خردورزی نیز بیگانه می شوند. برای مثال افرادی، ساعت ها در جمع همکاران و در هنگام انجام کار، شوخی می کنند و به گفتن حرف های غیرجدی می پردازند. شوخی در این موقعیت نه تنها به همکاران برای نیرو گرفتن کمک نمی کند، بلکه موجب آزار و اذیت آنها نیز هست. شوخی زیاد آزاردهنده است ضمن این که دیگران دلیل این شوخی را متوجه نمی شوند. حضرت علی(ع) می فرمایند: «هر کس زیاد شوخی کند، نادان شمرده می شود.» دلیل این نادان شمردن، این است که دیگران درک نمی کنند که چرا باید فردی از شوخی ای که افراد دیگر را نمی خنداند، بلکه آنها را آزار می دهد، لذت ببرد.

شاید بهترین نوع شوخی در فضاهای کاری، شوخی هایی با جملات کوتاه و بدون اتلاف وقت دیگران باشد؛ شوخی هایی که ظاهراً حاصل آنها صرفاً یک لبخند کوچک در گوشه لب همکار است ولی همین کار، روحیه او را تقویت می کند. زیاده روی در شوخی کردن، بویژه در موقعیت های جدی، نه تنها به دیگران کمکی نمی کند، بلکه حتی از ارزش و اعتبار ما خواهد کاست و چنان که امیرالمومنین می فرمایند: «شوخی زیاد، ارج و احترام را می برد و موجب دشمنی می شود.»

ازدیاد خصم و دشمنی و بدبینی به واسطه شوخی، ناشی از رعایت نکردن زمینه شوخی است، چراکه افراد در موقعیت هایی باید شوخی کنند که هم به ایجاد نشاط و سرور در دیگران و هم خودشان منجر شود، ولی اگر در موقعیت هایی شوخی کنیم که صرفاً خودمان یا نزدیکانمان شاد شویم ولی دیگران شوخی ما را به نحوی برداشت کنند که گویی ما قصد تمسخر آنها را داشته ایم، این کار به دوری ما از آنها منجر خواهد شد و از همین رو در برخی از احادیث، شوخی کردن مورد نهی قرار گرفته است.

مسلم این احادیث را نباید به نحوی تفسیر کنیم که گویی با احادیثی که شوخی کردن را نیکو می شمرند، در تعارض هستند. بلکه احادیثی که شوخی کردن را نهی کردند، نوعی از شوخی را مدنظر دارند که همراه با گناه است یا این که به نتایج نامطلوب (مثل رنجش دیگران) منتهی می شود، برای مثال امام صادق در حدیثی می فرمایند: «إِذَا أَحْبَبْتَ رَجُلًا فَلَا تُمَازِحْهُ وَلَا تُمَارِهْ» یعنی هر گاه کسی را دوست داشتی، با او نه شوخی کن نه مجادله. در این حدیث، شوخی و مجادله، در کنار یکدیگر قرار گرفته اند و این نشانه آن است که مقصود از شوخی در اینجا، آن نوع شوخی است که مخاطب ما در آن، با ما همراه نیست، بلکه ما با شوخی کردن می خواهیم نه تنها به نوعی مخالفت خود را به او نشان دهیم و بلکه بدتر از این، او را تمسخر کنیم.

بنابراین شوخی کردن دوسویه دارد، یک سویه آن به نزدیک تر شدن قلوب انسان ها به یکدیگر مدد می رساند و موجب تقویت دوستی و همدلی می شود و نشاط و سرور را در جامعه افزایش می دهد و سویه دیگر آن، به ناراحتی و آزار ختم می شود و دشمنی و تنفر را افزایش می دهد. خردمند کسی است که با آگاهی از این دو سویه، حتی هنگام شوخی کردن نیز، عقل را چراغ راه خود قرار دهد و با آگاهی زبان بگشاید.

سلمان، اسط، / حام حم